

## مبارزه اسلام

### با: جهل، مرض، فقر

مقاله ایست کوتاه در زمینه‌سه مسئله مهم حیاتی که هم‌اکنون افکار مردم دنیا را بخود مشغول داشته‌است و بصورت ظاهر هم همه حکومتها و مکاتب اجتماعی و سیاسی در راه مبارزه با آنها کوشش میکنند...

این مقاله که با استفاده از کتاب شیخ محمود شلتوت بنام: «من توجیهات الاسلام» چاپ قاهره، نوشته شده، گوشه‌ای از نظریه اسلام را در این باره روشن می‌سازد، و بدیهی است که برای ارزیابی کامل هر یک از این مسائل جهانی باید کتابها و مقالات بسیاری نوشت، چنانکه ما امیدواریم از شماره آینده در باره هر یک از این موضوعات، مقالات مستدل‌تر و جامع‌تری بنویسیم.

### دشمنان بشریت

انسان، آنطوریکه در قرآن مجید می‌خوانیم خلیفه خدا در روی زمین است او باید در روی زمین کار بکند، کوشش بنماید، آنرا آباد سازد و اسرار خدای را آشکار کند و از عمران و اصلاح همه جا نبه آن کوتاهی ننماید.

ولی باید، دید راه انجام این وظیفه بزرگ چیست؟ هیچ جای شك و تردید نیست که بدون علم و دانش، امکان تشخیص نیک و بد، سودمند و غیر مفید از بین می‌رود؛ و بدون صحت و سلامتی، عقل کامل، حسن تدبیر بدست نمی‌آید و بدون مال و دارائی ادامه زندگی و اجراء برنامه‌های اصلاحی و آبادانی امکان پذیر نمی‌گردد. و در واقع سلامتی، دانش و مال، سه عنصر مهمی هستند که در پایداری و قوام زندگی عمومی انسانیت، نقش بسزائی بعهده دارند و هر چیزی در زندگی متریقی انسان، نیازمند آنها و وابسته و پیوسته بآنها است. و ظاهراً هیچ دشمنی مانند این سه دشمن خطرناک: جهل، مرض، فقر در ناپود ساختن

سعادت بشری این اهمیت را ندارند ، و بشریت باید نیروی خود را یکجا جمع کند و با صدق و صفا ، عزم راسخ و احتیاط کامل ؛ همکاری و همفکری ، در راه مبارزه با این دشمنان ، پیش برود .

### روش اسلام در این زمینه

اسلام در اتخاذ وسائلی که ریشه دشمنان سه گانه را می سوزانید ، کوشا و جدی بود و اگر مردم روش آنرا پیش می گرفتند ، از نزدیکترین راهها و با کمترین کوششها ، به آثار نیک آن میرسیدند و در نتیجه از این تبلیغات تکراری و نطق های تو خالی و حماسه سرائی های بی فایده نجات می یافتند .

اینهمه در راه مبارزه با فقر و جهل و مرض سخن پراکنی می کنند اما جهل و فقر و بیماری در سراسر جهان همچنان برجای خود باقیست .

اسلام با جهل و نادانی و بیسوادی بشدت مبارزه می کند و آنرا در هر کجا و به هر شکل و رنگی که باشد از بین می برد ، با جهالت شرک بوسیله توحید ، با نادانی های تقلید کور کو رانه ، بواسطه دلیل و برهان و با عادات و خرافات موهوم ، از راه ، جایگزین ساختن رسوم و آداب صحیح ، مبارزه می کند . البته اسلام پیش از همه اینها با بیسوادی به نبرد پرداخت و تعلیم نوشتن را بزرگ داشت و مقام قلم را بالا برد و در نخستین ندای آسمانی که خداوند پیامبر خود را مورد وحی قرار داد چنین فرمود :

« اقرء باسم ربك الذی خلق ، خلق الانسان من علق ، اقرء وربك الاکرم الذی علم بالقلم ، علم الانسان ما لم یعلم ، بخوان بنام پروردگارت که بیافرید ، انسان را از خون بسته بیافرید ، بخوان و پروردگارت ارجمند تراست . که (نوشتن) با قلم را آموخت ، و با انسان آنچه نمیدانست بیاموخت . خداوند پیامبر خود را به خواندن امر می کند ، خواندن نردبان ترقی و راه علم و معرفت است و سپس راهنمایی می کند که در این راه باید از نام خداوند کمک بخواند و بدین ترتیب مقام و منزلت بلند پایه آنرا نشان میدهد . . . بعد از آن خلقت و آفرینش را ذکر می کند و آنرا هر دین آموزش نوشتن با قلم می شمارد و در واقع آفرینش و هستی ؛ علم و قلم را مساوی می داند و شاید اشاره می فرماید که مخلوق جاهل ، ارزشی در زندگی ندارد .

و چنانکه خواندن مطلق را ؛ بدون مقید ساختن و محدود نمودن آن به چیز خاصی طلب می کند ، علم مطلق را نیز بدون منحصر ساختن آن به یک موضوع مخصوص می خاهد .  
 « هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون ، آیا آنان که دانا و دانشمندند ، با آنان

که نادانند یکسان توانند بود؟ و دیرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات ، خدا کسانی از شما را که ایمان دارند با کسانی که دانش یافته اند مرتبه‌ها بالا برد .

علم از نظر قرآن ؛ با توجه به معنی آیه شریفه ؛ هرگونه ادراک و دانشی است که انسانیت را در پیروزی و انجام وظیفه‌ای که بهمه دارد ، کمک و یاری نماید ؛ و وظیفه بشر آبادانی و عمران است . و روی این حساب ادراک و فهم هرچیزیکه بر سود و پیشرفت بشری و مصالح و سعادت انسانی منجر گردد ، علم و دانشی است که مورد خواست اسلام است .

### تاثیر علم در زندگی مسلمانان

مسلمانان نخستین ، ارزش علم و مقام آن را از نظر اسلام دریافتند و ضرورت آنرا برای خوشبختی و نجات ملتها درک کردند و چون خود مردمی بیسواد بودند در راه نابودی ریشه بیسوادی از هر وسیله‌ای استفاده کردند ؛ اسرای جنگی را بشرطی آزاد کردند که گروهی از فرزندان اسلام را خواندن و نوشتن بیاموزند ، تعلیم قرآن را همراهی ریه زن‌ها قرار دادند و علم را وسیله پیشرفت اجتماعی افراد قراردادند تا هرکسی بتواند نامی خود در راه آن بکوشد و به مقام دلخواه خود برسد .

دل تاریخ و کتابخانه‌های اسلامی ، مملو از تالیفات و ترجمه‌ها و آثار مسلمانان نخستین در همه رشته‌های علوم و فنون است و همین آثار علمی بخوبی نشان میدهد که مسلمانان نخستین نه فقط مرکزیت علوم را بدست آوردند ، بلکه به مقام استادی مطلق در علوم ، نائل شدند . و اگر مسلمانان عصر ما نیز راه اسلام را به پیمایند ؛ به همان مقامی می‌رسند که مسلمانان نخستین در سایه سعی و کوشش فراوان بدان رسیدند .

### سرمایه انسان ؛ سلامتی است

اسلام با هرگونه بیماری و مرضی به نبرد پرداخت . و برای همین منظور نخست به پیشگیری دستور داد و سپس برای نجات از بیماری دستور معالجه داد و هرگز اجازه نفرمود که کسی بامید شفای غیبی بنشیند و به مداوا نپردازد . اسلام برای تأمین سلامتی مریض و نگهداری آن اجازه داد که در صورت ضرورت انجام هرگونه واجبی را ترک کند و مثلاً اجازه داد هر مسلمانی در ایام مرض ؛ سفر ، پیروی و . . . روزه خود را بخورد و از این بالاتر احتمال ضرر عقلائی را نیز در این مورد کافی دانست .

اینها همه برای آنست که صحت و سلامتی سرمایه انسان و اساس سعادت حقیقی مردم است

و بدون آن عام و عمل ؛ کوشش و کار ، مبارزه و جهاد در راه حق ، مقدور و امکان پذیر نیست . اسلام در این زمینه تا آنجا پیش رفت که مشهور گردید که : **صحت جسم مقدمه سلامتی دین است** مبارزه با هر گونه مرض ، بهر وسیله ای که مقدور باشد ، مورد خواست اسلام است و بدیهی است که در هر عصری ، مطابق مقتضیات زمان باید خواست اسلام را عملی ساخت

### مسئله فقر

اسلام با فقر نیز بجنک پرداخت ، ولسی این جنک ، جنگی همه جانبه و بدون گذشت و اغماض است . اسلام نخست به کسب و کار ، تحصیل روزی و متاع زندگی امر نمود و به کشاورزی و بازرگانی و . . . تشویق کرد : « هوالذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه ، اوست که برای شما زمین را رام کرد ، در اطراف آن راه روید و از روزی او بخورید » فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله ، « چون نماز پایان رسید در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا ، روزی بجوئید .

اسلام بر ثروتمندان واجب نمود که فقراء و بیچارگان را یاری و کمک کنند و شاید شما کمتر سوره ای از قرآن را میابید که در آن درباره فقراء و تحریک عواطف انسانی ثروتمندان ، آیه ای وجود نداشته باشد و البته در این زمینه از راههای گوناگون ، از ترغیب و تشویق ، و گاهی تهدید و وعده عذاب دنیوی و اخروی ، استفاده نموده است .

اسلام برای فقراء در اموال ثروتمندان حقوقی قرار داد که بر حسب مورد و زمان و مکان متفاوت تواند بود و حقوق ثابتی نیز تعیین فرمود که **زکوات و مالیات از سود سالانه** از آن قبیل است .

اسلام در مبارزه با فقر ، باین حد نیز اکتفا ننمود ، بلکه رفع نیازمندیهای ضروری فقراء ؛ بیچارگان ، بیماران ، درماندگان و برادران ماندگان و یتیمان را نیز واجب ساخت .

\* \* \*

این روش اسلام در مبارزه با دشمنان سه گانه بشریت است و اگر مردم از راه و روش اسلام پیروی کنند بر هر سه دشمن خطرناک غلبه خواهند یافت : « وان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم و صاکم به لعلکم تتقون » و این راه یگراست من است ، پس پیرو آن شوید و بر راههای دیگر مروید که شمار از راه وی پراکنده کند ، اینهاست که خدا شما را پدرانها توصیه کرده است ؛ شاید پرهیز کاری کنید (۱) .